

۸. [ما می‌گوییم: حضرت امام، نزاع را مطابق نظر قدما هم نزاع صغروی می‌دانند و می‌نویسند:

«أقول: النزاع عليه صغروي» - أيضا - لأن القائل بالمفهوم يدّعي أن إتيان القيد الزائد يدلّ بما أنه فعل اختياريّ على كون القيد ليس إلّا موضوع الحكم، و مع عدمه لا ينوب منابه شيء، و المنكر إنّما ينكر هذه الدلالة لا حجّيتها بعد تسليم الدلالة، كما هو ظاهر استدلال النافين من نفى الدلالات، بل ظاهر كلام السيّد المرتضى أيضا، فإنّ قوله: - إنّ تأثير الشرط إنّما هو تعليق الحكم به، و ليس يمتنع أن يخلفه و ينوب منابه شرط آخر - ظاهر في أنّ الاستفادة من الشرط دخالته، لا عدم دخالة شرط آخر، حتّى يفيد المفهوم، فهو ينكر المفهوم لا حجّيته بعد ثبوته، كما يظهر منه أنّ مدّعى المفهوم يدّعي دلالة الكلام على عدم نيابة قيد آخر مناب القيد المذكور، و هو عين مسلك المتأخّرين، فتدبر.»^۱

توضیح:

۱. [قدما مفهوم را ناشی از دلالت لفظی نمی‌دانند، بلکه آن را نوعی دلالت عقلی به شمار می‌آورند. نحوه مفهوم‌گیری در نگاه قدما چنین است که: وقتی متکلم به جای اینکه بگوید «زید را اکرام کن»، می‌گوید «اگر زید آمد، او را اکرام کن»، در حقیقت یک قيد زائد آورده است (شرط). پس معلوم می‌شود که تنها این قيد موضوع حکم است و لذا اگر این قيد مرتفع شد، حکم هم مرتفع می‌شود].

۲. پس اگر چنین دلالت عقلی پذیرفته شد، مفهوم ثابت است و چنین نیست که کسی بگوید دلالت هست ولی حجّت نیست.

۳. و همین مطلب از کلام سید مرتضی، قابل فهم است. چرا که او می‌گوید وجود قيد (شرط) دال بر دخالت شرط است و نه اینکه چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. (و لذا سید مرتضی، مفهوم را نمی‌پذیرد)

۴. پس سید اصل وجود مفهوم را منکر است و نه اینکه بپذیرد مفهوم هست ولی حجت نیست.]

ما می‌گوییم:

۱. ماحصل فرمایش مرحوم بروجردی آن است که:

(الف) دلالت در اصطلاح منطقی‌ها، دلالت مفردات کلام است ولی در اصطلاح اصولیون دلالت کلام (مجموع کلام) است.

(ب) دلالت التزام و دلالت تضمن، دلالت‌هایی هستند که قطعاً از کلام قابل استفاده هستند و قطعاً قابل احتجاج هستند

۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۷۸



ج) از منظر قدماء اصولیون دلالت کلام بر مفاهیم، غیر از دلالت التزام است.

د) از منظر متأخرین اصولیون، دلالت کلام بر مفهوم، از اقسام دلالت التزام است

ه) از منظر قدماء، کلام می تواند مفهوم داشته باشد ولی قابل احتجاج نباشد (نزاع کیروی)

و) از منظر متأخرین، اگر کلام مفهوم داشته باشد، چون از اقسام دلالت التزامی است، قطعاً قابل احتجاج است. (نزاع صغروی)

۲. پس از منظر مرحوم بروجردی (که نظر قدماء را می پذیرد) «دلت کلام بر مفاهیم، دلالت کلام بر لازم بین معنی نیست»

۳. با توجه به آنچه از کلام مرحوم بروجردی خواندیم، می توانیم نظر خود را درباره تعریف مفهوم های اصولی و تفاوت آن با دلالت التزامی بیان کنیم:

نظر ما درباره مفاهیم

۱. کلام در اثر وضع مفردات آن و وضع هیأت آن (یا در اثر قرائنی که موجود است) دارای معنایی است که آن را «مدلول مطابقی کلام» می دانیم.

توجه شود که دلالت کلام بر معنای مجازی، با این حساب دلالت مطابقی است.

۲. معنای مطابقی، اگر لوازمی دارد (لوازم عقلی یا عرفی) که برای «معنا» لازم بین بالمعنی الاخص است (به این معنی که از تصور ملزوم (معنی)، لازم هم در ذهن تصور شود)، دلالت کلام بر آن لازم را، دلالت التزام می گویند

۳. شرط دلالت التزام، ملازمه بین بالمعنی الاخص است که باید بین تصور ذهنی ملزوم و تصور ذهنی لازم حاصل باشد. (توجه شود که آنچه این دلالت را حاصل می کند، ملازمه ی بین دو معنی در ذهن شنونده است و اینکه آیا در خارج چنین ملازمه ای هست و یا نیست، اصلاً مدخلیتی در پیدایش دلالت التزام ندارد.)

۴. گاه لوازم بین، عقلی هستند (که طبیعتاً هرکس از عقل برخوردار باشد، ملازمه ی بین را درمی یابد: مثل زوجیت و عدد دو) و گاه عرفی هستند. (مثل اینکه اگر کسی بگوید: «دوات را بیاور»، از مطالبه دوات (معنی) مطالبه قلم، (لازم بین عرفی) هم فهم می شود)

۵. ملازمه بین عرفی، ممکن است در عرفی موجود باشد و در عرفی موجود نباشد. و ممکن است نزد شنونده (که دلالت در ذهن او حاصل می شود) موجود باشد ولی نزد گوینده چنین نباشد.

۶. دلالت التزام، در لوازم بین عقلی قابل احتجاج است ولی در لوازم بین عرفی به شرطی قابل احتجاج است که گوینده و شنونده دارای عرف واحدی باشند.



توجه شود که دلالت در این بحث به معنای دلالت تصویری است ولی احتجاج فرع اراده‌ی جدی و دلالت تصدیقیه است. اما با توجه به اینکه اصل تطابق دلالت تصویری با دلالت تصدیقیه و مراد استعمالی با مراد جدی حاکم است، می‌توان در هر جایی که دلالت تصویری حاصل است، حکم به دلالت تصدیقیه کرد و با پذیرش اراده استعمالی (که حاصل از پذیرش دلالت تصدیقیه است)، اراده جدی متکلم را هم کشف کرد و به آن احتجاج نمود.

۷. پس دلالت التزام، دلالت معنای کلام بر لوازم معنای کلام است. (توجه به «معنای کلام» شود).

